**بررسي علوم رفتار زيست محيطي در حفاظت پایدار از محیط زیست**

**چکیده**

در سال­های اخیر، تخریب منابع زیست‌محیطي (منابع آب و خاک) نگراني‌ها را در مورد دستیابي بشر به توسعة پایدار کشاورزی را افزایش داد. رفتارهای زارعان از طریق تأثیرگذاری بر کیفیت منابع آب و خاک، نقش مهمي در حصول پایداری در کشاورزی دارد. به طور کلی انسان­ها با اعمال و رفتار خود، هم می‌تواند موجب تخریب طبیعت و محیط‌زیست خود شوند و هم می‌تواند با به کار بردن اصول فنی وعلم و دانش خود باعث تنوع زیستی و پوشش گیاهی و وسعت جنگل­ها شوند. حفاظت از از محیط زیست به معنای استفاده بهینه و مناسب از محیط‌زیست است به نحوی که بتواند کیفیت خود را از نظر زندگی انسان حفظ کند. توسعه علوم رفتارزیست­محیطی وظیفه اصلی ما به عنوان عضو جامعه است که در نهایت به افزایش دانش ، نگرش و رفتارو اخلاق مسئولانه در حفاظت پایدار از محیط زیست منجر می‌شود. هدف از این مقاله نقش علوم رفتار زیست محیطی بر حفاظت پایدار محیط زیست می‌باشداین نوع تحقیق از انواع تحقیقات اسنادی و بررسی منابع معتبر و کتاب ها و مروری می باشد. نتایج حاصل از این تحقیق، حاکی از این واقعیت است که با رعایت اخلاق زیست­محیطی و افزایش آگاهی­ها عمومی، تلاش درجهت رفتار مسئولانه حفاظت زیست­محیطی را افزایش می دهد.

**واژگان کلیدی** : اخلاق،دانش وسواد زیست‌محیطی، علوم رفتارزیست محیطی حفاظت محیط زیست، توسعه پایدار.

**مقدمه**

شیوه‌های متمرکز کشاورزی موجب خسارات زيست‌محیطي فراواني از قبیل فرسايش خاک، آلودگي آب­های زيرزمیني و سطحي با کودهای مغذی يا آفت‌کشها، زوال زيست‌بوم‌های طبیعي و کاهش تنوع ژنتیکي شد. کشاورزان برای اجتناب يا کاهش اين آثار زيست‌محیطي، مي­توانند از اقدام­های حفاظتي پیشگیرانه استفاده کنند. پذيرش و کاربرد اين اقدام­های پیشگیرانة زيست‌محیطي به سه جنبة اصلي وابسته است: اول، ويژگي های اين اقدام­های حفاظتي؛ دوم، ترجیحات و نگرش­های شخصي زارع به‌عنوان شخص پذيرنده؛ سوم، شرايط ساختاری ( مثل شرايط آب­وهوايي محلي) (Sattler and Nagel, 2010 ). هرچند از ديدگاه (Zimmerma & Lichtenberg, 1999)، رفتار متأثر از مجموعة پیچیده­ای ازعوامل است، اما بخش زيادی از رفتار، با نگرش به محیط‌ ‌‌زيست تعیین مي­شود که اين نگرش نیز متأثر از میزان دانش و اطلاعات فرد است. فراهم آوردن اطلاعات در مورد آثار زيست‌محیطي استفاده از آفت­کشها و راه­های تغییر در فعالیت­های مديريت آفات مي­تواند اين آثار را کاهش دهد. 2000) Fenton et al., ( ويژگي­هايي مثل میزان آموزش­های رسمي و غیر رسمي، تجربة مديريت زمین يا کشاورزی، ويژگيهای مالي زراعي، ساختار مزرعه، نگرش و ادراکات دربارۀ تغییر، تماس با منبع تغییر و مشارکت داوطلبانه را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر تصمیم­گیری زارعان در زمینة رفتارهای زيست محیطي معرفي کردند. برخي دانشمندان معتقدند هرچند فاکتورهای اقتصادی در تصمیم برای پذيرش فعالیت­های حفاظتي مهم به‌شمار مي‌روند، آنها به طور کامل رفتار پذيرش را تبیین نمي­کنند. فاکتورهای جامعه­شناختي نیز برای برخي زارعان مهم به‌شمارمي‌روند؛ برای مثال، زارعان و دامداران که اخلاق حفاظتي قویتری دارند، ممکن است به دلیل احساس و تمايل به ايجاد رفاه برای نسل­های آينده، منافع و سودها­ی کمتر را دنبال کنند و فعالیت­های حفاظتي را بیشتر بپذيرند ( Clearfield & Osgood, 1986 ). در اين راستا ( (Schenk et al., 2007 دريافتند عامل اقتصادی (مثل مشوق‌ها)تنها يا مهمترين عامل مؤثر بر پذيرش اقدام های حفاظت محیط زيست نیست؛ البته هیچ وقت نبايد آن را ناديده گرفت. همچنین، دسترسي به اطلاعات، هرچند کلي، نقش مهمي در پذيرش اقدام­های زيست محیطي به­صورت بلندمدت و پايدار دارد. از زماني که بشر بر کرة خاکي پا گذاشته است تعامل مداوم و پايداري بين او و جهان طبيعت برقرار بوده است، اما با رشد جمعيت و دستيابي به اختراعات و کشفيات جديد علمي که انسان را به سوي صنعتي شدن رهنمون مي‌کرد، اين روند همه روزه با افزايش تقاضا از طبيعت و تخريب منابع آن همراه است (Shobeiri & Prahalada , 2007) به گونه‌اي كه با حذف منابع طبيعي و كاستن از تنوع زيستي سياره به ساختار خود حيات كه رفاه ما وابسته به آن است آسيب مي­رسانيم (فريتيوف ، ١٣٨٦: ٢٥٨) و سرعت گسترش خطرهاي اكولوژيك را نيز كه در حوزة تخريب طبيعت قرار دارند افزايش مي­دهيم (عنبري، ١٣٨٧: ١٥2 ).به واسطة درک همين پيامدهاي بلندمدت مسائل و مشكلات زيست‌محيطي (Budak, 2005:2) در زندگي انسانها و ديگر موجودات بود که انديشة : حمايت از محيط‌زيست مظهر تلاشي معرفي شد براي گسترش مفهومي که از جامعه داريم، فراتر بردن آن از نسل کنوني آدمي و شمول آن بر تمام موجودات اعم از انسان و غيرانسان و حال و آينده و نيز نظام زيستي کنو ني که ما جملگي بخش­هايي وابسته به آن هستيم(فيتز پتريك،١٣٨9 : ٣٨٩ -٣٦٨). در دهه‌هاي اخير کشور ما نيز با مشکلات و مسائل زيست‌محيطي زيادي روبه رو بوده وبرخي آسيب‌ها و تخريب­هاي زيست‌محيطي را تجربه کرده است. اما به واسطة افزايش گرايش جهاني به مصرف انرژي­هاي برگشت‌ناپذير مانند نفت، زغال سنگ و گاز و اتکاي بيش ازحد ايران به منابع زيرزميني خود، به نظر مي­رسد درحال حاضر مصرف بي روية انرژي در ايران و درپي آن تخريب منابع زيرزميني و ايجاد آلودگي‌هاي زيست­محيطي، مي‌تواندجزء مهم ترين مسائل مرتبط با رفتارهاي زيست‌محيطي افراد باشد. به­وجودآمدن انديشة حمايت از محيط زيست ضرورت توجه به ارزش­ها و رفتارهاي زيست‌محيطي انسان را بيش از پيش نشان مي­دهد. بار ( ٢٠٠٣ ) ارزش­هاي زيست‌محيطي را شامل جهت‌گيري اساسي فرد در زمينة محيط‌زيست و نشان دهندة جهان‌بيني او درقبال جهان طبيعي مي‌داند (Barr, et al., 2003). شولتز و زلز ني (١٩٩٩ ) معتقدند که نظام ارزشي به منزلة يکي از عوامل تعيين کنندة رفتار زيست‌محيطي همواره مركز توجه پژوهشگران بوده است .(ZSchultz & Zelezny, 1999)استرن (٢٠٠٠) معتقد است كه ارزش­ها نسبتًا پايدارند (Steg et al.,2011)) و به‌مثابة راهنماي اساسي در زندگي افراد مفهوم‌سازي مي‌شوندHedlud, 2011) ). به گونه­اي كه ارزش­ها به جهت‌گيري‌هاي رفتاري افراد شكل مي‌بخشند (همان). شوارتز ارزش­ها ر ا استانداردهاي مهم زندگي تلقي مي‌کند که از اصول هدايت‌کننده در زندگي شخصي ما هستند. او ارزش­ها را متمايز از عقايد يا نگرش­ها مي‌داند (Schwartz, 1992) و معتقد است که ارزش­ها همچون نظامي سازماندهي شده عمل مي‌کنند و تعيين کنندة نگرش­ها و رفتار هستند (همان). در همين زمينه، نوردلاند و گارويل ( ٢٠٠٢ ) معتقدند افرادي که اولويت را به جمع يا ارزش­هاي خودتعالي مي‌دهند، درمقايسه با افرادي که اولويت را به ارزش­هاي خودافزايي مي‌دهند، بيشتر به فعاليت‌هاي مسئولانة زيست‌محيطي گرايش دارند Nordlund & Garvill, 2002)). با توجه به اهميت تأ ثير ارزش‌هاي زيست‌محيطي بر رفتارهاي زيست‌محيطي و نيز اهميت مسئلة انرژي در ايران، به نظر مي‌رسد سنجش ميزان و درجة ارزش زيست‌محيطي افراد و نيز ميزان اثرگذاري آن بر مصرف انرژي افراد مي‌تواند نقش مهمي در شناخت فرايند پيچيدة عوامل تأثيرگذار بر رفتار زيست‌محيطي ايفا كند.

**حفاظت از محیط زیست**

حفاظت از محیط زیست نه تنها به عنوان جزء تفکیک ناپذیر توسعه پایدار بلکه به عنوان ارزش بنیادین مورد نیاز نسل امروز و نسل­های آتی مورد پذیرش و تاکید قرار گرفته است (کیانپور، 1393 ). طبیعت به عنوان یک امانت برای انسان است نه چیز دیگری و انسان نباید بدون در نظر گرفتن مسئولیتش در امانت داری از امانت ، بد استفاده کند (اصفهانی ، معصومی ،1384). حفاظت از محیط زیست به معنای استفاده بهینه و مناسب از محیط زیست است به نحوی که بتواند کیفیت خود را از نظر زندگی انسان حفظ کند (دولت آبادی، 1382). حفاظت از محیط زیست و اطمینان از پایداری و همه جانبه بودن توسعه آن جدیترین چالش پیشروی جامعه جهانی است، بنابراین احیاء و نگهداری هرگونه حیاتی مساوی است با امکان زندگی بهتر و بیشتر برای انسان­ها در روی کره زمین. رابطه بین انسان و سایر موجودات جهان به هم پیوند خورده که نابودی یک گونه می تواند یک گزینه از امکانات زندگی انسان را کاهش دهد (ولایی،1376).

**اخلاق زیست محیطی**

اخلاق زیست محیطی، شاخه‌ای از مطالعات است که تعامل انسان با محیط غیرانسانی را از منظرر اخلاقی بررسی میکند. دراخلاق سنتی، عموما انسان که موجودش مختار و دارای افعال و آثاری است، محور مسائل اخلاقی بوده است ، لیکن تحولات اخیر و تاثیرگذاری فناوری­های جدید درتخریب سریع و ناجوان­مردانه محیط زیست، زمینه توجه را به جانب غیر از انسان، اعم ازحیوانات، کل موجودات زنده و مجموعه‌هایی مانند جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستم‌ها، دریاچه‌ها، جویبارها وکوه‌ها کرده است. با این مقدمه، روشن می­شود که محیط زیست، خود مفهومی نسبی و قیاسی است؛ براین اساس، همواره این سئوال مطرح است که منظور از محیط زیست، محیط زیست انسان، حیوانات و یا چه کسی است؟ محیط زیست دراین معنا ، تمام کره زمین با همه موجودات ، آب­ها و خاک­ها وکل زیست کره و حتی فراتر از آن را شامل است، اما اخلاق زیست­محیطی، شاخه­ای از اخلاق کاربردی است که به برخورد انسان­ها با عالم غیرانسان و عناصرغیرانسانی می پرردازد. از این رو ، آن چه مستقیما مورد توجه اخلاق زیست­محیطی قرار دارد، بررسی چگونگی رابطه عوامل انسانی آگاه و خودمختار با چیزهای موجود درمحیط زیست است. گفتنی است که اخلاق زیست­محیطی، نه تنها به محیط طبیعی، بلکه به محیط شهری نیز توجه دارد؛ توجه به تاثیرپذیرش فیزیکی، ذهنی و روحی آدمی از طراحی و مصالح ساختمان­های ساخته شده ، نمونه­ای ازاین مسائل است (جمعی ازنویسندگان، 1386 ، ص 199).

**ترویج و اخلاق زیست محیطی**

کشاورزی از هرنوعی که باشد به محیط زیست آسیب می رساند (Paarlberg, 2009) و ترویج کشاورزی برای حفاظت از محیط زیست از شیوه­های مختلفی بهره می‌گیرد که تغییر در دانش، نگرش و رفتار افراد را مدنظر دارند. ترویج سعی دارد تا آگاهی روستاییان و کشاورزان هم نسبت به مسائل و مشکلات زیست محیطی و هم نسبت به راحل­های برون رفت از این مسایل به نحوی تغییر یابد که رفتارهای سازگار با پایداری در کشاورزی تضمین شود. در این راستا، باید توجه داشت که علم کشاورزی به ما این دانش را می‌دهد روابط عواملی مانند آب، خاک و گیاه چگونه است و به چه صورت می‌توان محصول بیشتری تولید کرد،اما این دانش به خودی خود به ما نمی­آموزد که چرا باید مراقب زمین بود و از محیط زیست محافظت کرد. این وظیفه اخلاق است که مشخص کند ما چگونه باید زندگی کنیم و چرا باید مراقب منابع تولید در کشاورزی باشیم. محیط زیست طبیعی نه فقط به دلیل منافع انسانی بلکه به دلیل ماهیت ذاتی خویش از ارزش برخوردار است و باید مورد احترام قرار گیرد (Abedi & Shahvali, 2008).این رویکرد در برگیرنده کاربرد اخلاق در چگونگی رفتار درست انسان با طبیعت است آموزش اخلاق زیست محیطی یک از وظایف مروجان است که باعث پایداری کشاورزی و محیط زیست می،شود و باعث تصمیم درست می‌شود ( Hansen, 2009).

**سواد زیست محیطی**

سواد زیست محیطی آموزش عملی پایه­ای برای همه مردم است که برای آنها دانش ، مهارت و انگیزه­های مقدماتی را فراهم میکند تا بتوانند نیازهای زیست محیطی خود را برطرف نمایند و به توسعه پایدار کمک کنند (یونسکو، 1989). توسعه سواد زیست محیطی یک وظیفه اصلی برای ما به عنوان یک جامعه می باشد و آموزش زیست محیطی ابزاری برای توسعه سواد زیست محیطی می باشد (عظیمی ، 2013 ). سواد زیست محیطی قدرت درک و دریافت مسائل محیط زیست شهری می‌باشدکه در نهایت به نگرش مثبت نسبت به محیط زیست و در جهت حفاظت از محیط زیست منتج می شود (ابوالحسنی ، 1391). سواد زیست محیطی از هر دو نظر اصطلاح شناختی یعنی ، با علم به عنوان پیش شرط ضروری برای رفتار و عمل متفکرانه و همچنین بر حسب اصطلاح شناختی تغییرات رفتاری که مستقیما از علم و مهارت کسب می گردد، تعریف می شود. به هر حال سواد زیست­محیطی عبارت از توانایی و ظرفیت به کارگیری علم زیست­محیطی پایه­ای مفاهیم و مهارت فکر کردن برای فرموله کردن عملیات بر روی موضوعات زیست­محیطی در رفتارهای روزانه است. که شامل یک مولفه اصلی می باشد: دانش زیست محیطی ، دانش سیاسی اجتماعی ، دانش مسائل زیست محیطی ، مهارت­های شناختی و رفتارهای مسئولانه زیست محیطی می باشد (عظیمی و – همکاران، 2013). از نظر آزجن و فیش بین ( 1980 )دانش عبارتست از اعتقاد به دانسته­ها و معلومات و دانش همچنین می تواند به جزیی از شناخت یا ( cognitive ) اشاره کند (شبیری، عبداللهی ، 1388). فردوسی و همکارانش ( 1388 ) از دانش و نگرش افراد نسبت به مسایل زیست­محیطی به عنوان تعیین کننده­های مهم در زمینه پیش بینی رفتارهای محافظت از محیط یاد کرده­اند (استوار ، شاه ولی ،سامانی، 1391 ). عمده تحقیقات انجام شده در زمینه تاثیر دانش بر رفتارهای محافظت از محیط زیست ، تاثیر دانش را بر افزایش رفتار محافظت از محیط زیست تایید کرده اند(همان منبع). دانش زیست محیطی از لحاظ نظری ، شامل اطلاعاتی است که افراد درباره ی محیط زیست ، بوم شناسی، سیاره­ی زمین و تاثیر کنش­های انسانی بر روی محیط زیست / زیست بوم دارند (آرکری و جانسون، 1990). نگرش زیست­محیطی بخشی از ارزش­ها و احساس نگرانی­ها برای محیط زیست و انگیزش برای فعالیت­های مشارکتی در توسعه زیست محیطی و حفاظت از محیط زیست می باشد(همان منبع) رفتار مسئولانه زیست محیطی مشارکت فعال و آگاه به منظور حل و برطرف نمودن مشکلات و موضوعات زیست محیطی ، طبقه بندی اقدامات مسئولانه زیست­محیطی شامل مجاب سازی (ترغیب)، فعالیت مصرفی ، مدیریت اکولوژیکی، اقدامات سیاسی و اقدامات قانونی است (میبودی ، کریم زادگان ، 2012). سواد زیست­محیطی گردشگری از رویکرد حفاظت از محیط زیست یعنی فرهنگ­سازی و اشاعه نحوه جذب گردشگر با حفظ محیط زیست ، یعنی سالم سازی و احیای محیط زیست جهت جذب گردشگر: یعنی ایجاد امکانات و تسهیلات مناسب جهت جذب گردشگر و ایجاد امنیت برای گردشگران. بنابراین داشتن شهروندانی با سواد زیست­محیطی پیشرفته بطور روزافزون لازم و ضروری می نماید.شهروندان نیاز به مهارت­هایی دارند تا بتوانند مسائل و مشکلات را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و دست به اقدامی موثر بزنند (عظیمی و همکاران، 2013).

**اخلاق و محیط زیست**

دردهه‌ی 1970 فلسفه شروع به تدوین رشته­ی جدیدی به نام اخلاق زیست محیطی کردندکه به مطالعه‌ی ارزش‌محیط فیزیکی و زیست شناختی می پردازد. کانون توجه این رشته از مطالعات، در نقطه‌ی مقابل مطالعات سنتی اخلاق، جای می‌گیردکه به رابطه‌ی بین انسان­ها می پردازد. آنان که با رشته‌ی اخلاق زیست محیطی، آشنا هستند، به درستی می‌دانندکه مطالعه‌ی اخلاق زیست محیطی، در سال­های اخیر، به صورت یک رشته ی بزرگ و پیچیده ای درآمده است (وهاب‌زاده، ترجمه شناخت محیط زیست، بوتکین، کلر: 1382 ، ص 627).

**چالش اخلاق زیست محیطی**

درنوشته‌های مربوط به اخلاق زیست محیطی، فرق بین ارزش ابزاری و ارزش ذاتی (درونی) (یا ارزش غیرابرزاری)، بسیار قابل توجه و مهم بوده است. عبارت اولیه، ارزش بیرونی دارد و چیزهایی را شامل می­شود که برای دیگران، خرارج از خود ارزشمندی است، درصورتی که عبارت دوم، ارزش درونی و ذاتی دارد و ارزش آن، در خود نهفته است و بستگی به این ندارد که آیا براش دیگران مفید باشد یا خیر. به زبان دیگر، عبارات اولی، ارزش آن، به ذات نیست وعبارت دوم، داراش ارزش به ذات است (شبیری، عبدالهی، 1388 ، صص 252 و 253).

**مقایسه اخلاق پایدار و اخلاق شتاب‌زده زیست‌محیطی**

جدول1- مقایسه اخلاق شتاب­زده با اخلاق پایدار

|  |  |
| --- | --- |
| اخلاق شتاب­زده | اخلاق پایدار |
| 1. زمین مخزن نامحدود منابع است که فقط برای ما انسان ها به وجود آمده است و ما دراستفاده از آن، برهمه­ی موجودات ، برتری داریم.  2. وقتی منابع تمام شود بایستی به جای دیگری رفت و از منابع تازه‌تری استفاده نمود.  3. اگر ما به طور مداوم، به دارایی­های مادی خود بپرردازیم و در ازیاد آن ، کوشش کنیم، زندگی بهتری خواهیم داشت.  4. هزینه هر پروژه، به وسیله هزینه مواد، انرژی و نیروی کار، تعیین می‌شود و فقط جنبه اقتصادی است که مهم است.  5. کلید موفقیت، به وسیله تسلط بر طبیعت وکنترل آن، به دست می آید.  6. قوانین جدید و تکنولوژی، مسائل زیست محیطی ما را حل می کند.  7. بشر، از طبیعت، جدا و برتر از آن است.  8. ضایعات و آلودگی، درتمام فعالیت­های بشری، قابل پیش بینی هستند. | 1. زمین دارای منابع محدود بوده که متعلق به همه گونه‌های زنده می باشد.  2. بازیابی و استفاده از منابع تجدید پذیر، از تخلیه منابع، جلوگیری می کند.  3. ارزش زندگی، فقط کل حساب های بانکی افراد نیست.  4. هزینه هر پروژه خیلی بیشرتراز فقط مجموع انرژی، کارگر و مواداست. هزینه های خارجی مانند بهداشت و محیط زیست را نیز بایستی به حساب آورد.  5. ما بایستی طبیعت را درک کرده و با آن، همکاری نماییم.  6. کوشش افراد برای حل مشکل را بایستی برا قوانین محکم وتکنولوژی جدید، همراه ساخت.  7. ما برتر از طبیعت نیستیم و جزئی از آن، به حساب می آییم. تابع قوانین او هستیم و اجزای آن، برایمان قابل احترام است.  8. ضایعات و آلودگی­ها، غیرقابل تحمل هستند و هر ضایعات قابل بازیافتی، بایستی مصرف شود. |

(شبیری، عبدالهی، 1388 ، ص 254).

**ارزش ها و نگرش های زیست محیطی‌گردشگران**

ارزش­ها از ارتباط بین محیط و متن فرهنگی به وجود آمده و نمایانگر این ارتباط نیز هستند. گری (1985) معتقد است ارزش ها، راه دیدن جهان و ارتباط با آن هستند و به همین دلیل در رفتاری که انسان در قبال طبیعت به عنوان بخشی از جهان زیستی‌اش دارد مؤثرند. استرن و همکارانش در مطالعه­ای در باب نگرانی زیست­محیطی گردشگران به هر دو جنبه کلی و خاص ارزش­های زیست­محیطی پرداخته اند. طبق نظر آنها ساختار اجتماعی، ارزش­های اساسی شخص که بر جهان بینی و باورهای کلی وی درباره محیط زیست مؤثرند را شکل می دهد و این باورهای کلی نیز متعاقباً باورها و نگرش های خاص تر (مثل باور به اینکه توریسم توده تهدیدی برای محیط زیست است) را شکل می دهند. نهایتاً همین باورها و نگرش­های خاص هستند که به رفتار واقعی گردشگر در محیط زیست مقصد منجر می شوند (Stern et al., 1995 ). بنابراین آنچه بیش از هرچیز در این تحقیق مدنظر است، آگاهی از میزان ارزش­های زیست­محیطی کلی گردشگران و ارتباط آن با رفتارهای کلی و خاص زیست محیطی افراد است. درباره تأثیر ارزش­ها و نگرش­های زیست­محیطی در یکی از مهم­ترین رفتارهای زیست محیطی یعنی رفتار مصرف انرژی، می توان دو نوع موضع گیری را در بین محققان مشاهده کرد. ویتراسپون و همکارانش و بسیاری دیگر از محققان معتقدند که نه داشتن دغدغه­های زیست­محیطی و نه نگرش مثبت به سیاست­های صرفه جویی، هیچ کدام نمی توانند الزاماً به رفتار مطلوب بینجامند (Witherspoon et al., 1995: 57) . اما گروهی دیگر معتقدند که نگرش های انرژی انگیزه­های متفاوتی دارند و نوع انگیزه­ها می توانند در تأثیرگذاری نگرش­ها تأثیر داشته باشند. برای مثال مویس آندر بر اساس مطالعاتش در فنلاند معتقد است چهار نوع انگیزه پشتوانه نگرش های صرفه جویانه به مصرف وجود دارد. این انگیزه ها عبارتند از: 1- شناخته شدن به عنوان مصرف کننده سبز، 2- دل مشغولی داشتن در قبال مسائل اکولوژیک،3- حفاظت از محیط زیست بر اساس ملاحظات اخلاقی، ۴- حفاظت از محیط زیست بر اساس فشار هنجاری (Moisander, 2002) . به اعتقاد وی، از میان چهار انگیزه بالا، موارد 1 و 3 بیشترین تأثیر را بر رفتار متناسب با محیط زیست دارند.

**دانش زیست محیطی**

کایزر و همکارانش (1999) دانش زیست­محیطی را اطلاعات فرد درباره معضلات محیطی، عوامل مؤثر بر گسترش این معضلات و اطلاعات درباره آن چه فرد می تواند برای بهبود این وضعیت انجام دهد، تعریف می کنند (آقامحمدی، 1385 ، ص. 32 ). به نظر فریک و همکارانش سه نوع دانش زیست محیطی وجود دارد،از قبیل؛

1- دانش درباره نظام های زیست محیطی ؛ قبل از آن که فردی بتواند اقدامی انجام دهد، باید شناختی از وضع طبیعی اکوسیستم­ها داشته باشد، یا به عبارتی نظام­های زیست­محیطی را بشناسد.

2- دانش عمل زیست­محیطی : دانستن این که برای مسائل زیست­محیطی چه می توان کرد. ممکن است مردم بدانند دی اکسید کربن زمین را گرم می کند اما ندانند که چگونه باید مانع تولید دی اکسید کربن شد؛ لذا دانش عمل زیست­محیطی به مردم اجازه می­دهد تا خودشان مستقیماً در زمینه عمل زیست­محیطی اقدام کنند. برخی معتقدند داشتن« دانش عمل زیست محیطی پیش گیرانه» بهتر می­تواند رفتار زیست محیطی را برانگیزاند.

3- دانشی که مزیت­های رفتارهای زیست­محیطی مسئولانه را نشان می دهد.

تصور می شود که دانش درباره نظام­های زیست­محیطی، زمینه ساز دو نوع دیگر باشد اما اثر مستقیم بر رفتار زیست محیطی ندارد، لیکن دو گونه دیگر اثر مستقیم بر رفتار زیست محیطی دارند (Frick et al., 2004: 1598) تأثیر دانش، ارزش­ها و باورهای زیست­محیطی بر مصرف انرژی به مثابه یکی از صورت های رفتارهای مرتبط با محیط زیست نیز غیرمستقیم است. فریک و همکارانش نشان داده اند که تأثیر مستقیم دانش زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی فقط 6 درصد است (P. 1610) وردوگا و همکارانش نیز این تأثیر غیرمستقیم را نشان داده اند «باور زیست محیطی، نظامی از نگرش هاست که رفتار فرد دربرابر محیط زیست را تعیین می کند. باورهای زیست محیطی، چارچوب مرجع در تعامل با محیط زیست هستند. نکته مهم این است که تأثیر آن­ها بر کنش، غیرمستقیم و با واسطه متغیرهای دیگر صورت» می گیرد (Vrduga et al., 2003: 248). برهمین اساس تصور می شود که آگاه کردن مردم از پیامدهای زیست محیطی رفتارهایشان، می تواند آن ها را به در پیش گرفتن رفتارهای زیست محیطی مناسب تشویق کند. نگرش های زیست محیطی خود تحت سیطره ارزش های خاص فایده گرایانه، مذهبی، زیست محیطی و ملی است. پژوهش های انجام شده در پنج کشور اتحادیه اروپا نشان می دهد تحصیل کرده ها نگرش زیست محیطی مناسب تری دارند و رفتارشان نیز متأثر از همین نگرش هاست و بر اساس ملاحظات زیست محیطی، کمتر از وسیله نقلیه شخصی استفاده می کنند؛ زنان بیش از مردان موافق رفتارهای مناسب محیط زیست هستند و اعمالی نظیر جداسازی زباله­ها و توجه به برچسب­های زیست­محیطی را بیشتر انجام می­دهند؛ و مردم در حالت کلی با اقدامات تنبیهی و تنظیمی برای ایجاد رفتارهای زیست­محیطی موافق هستند، اگرچه در مواردی که اجرای عملی سیاست ها پیش می آید، موافقت کمتر می شود. افراد طبقه پایین بیش از بقیه طبقات اجتماعی با اعمال سیاست­های زیست محیطی مخالف هستند (Witherspoon et al., 1995).

**درک منافع جمعی از کنش زیست محیطی**

لابل (2002) تحت تأثیر نظریه­های مبادله و منافع به تشریح رفتار زیست­محیطی می پردازد. این نظریه ها ریشه در نظریه­های انتخاب عقلانی همچون نظریه های منافع‌جمعی، نظریه منافع شخصی جیمز کلمن و نظریه مبادله هومنز و امرسون دارند و نتیجه تلفیقی آن‌ها که در الگوهای نظری جدید مورد نظر است تأکید بر این نکته است: هر چه وزن متغیرهایی که به ارزیابی نفع عمومی و سود شخصی حاصل از رفتار می­انجامد بیشتر باشد امکان بروز رفتار هم افزایش می یابد و برعکس هر چقدر درک هزینه های سود « ارزیابی فایده » عمل نزد فرد بیشتر باشد، احتمال اقدام به عمل ضعیف­تر است دو مفهوم اساسی در این نظریه است. در « کاهش هزینه های عمل» جمعی و شخصی حاصل از رفتار به منظور لحاظ کردن متغیرهای « درک منافع جمعی » اینجا از مفهوم غیرفردی مؤثر بر رفتار بهره خواهیم گرفت. انتظار می رود کسانی که از رابطه مستقیم یا غیرمستقیم بین سلامت زیست محیطی و شکوفایی اقتصادی جامعه اطلاع دارند و به آن باور دارند و همچنین کسانی که مشکلات زیست­محیطی را تهدیدی برای زندگی اجتماعی می­دانند دربرابر رفتارهای زیست­محیطی خود حساس باشند و بیشتر عمل زیست­محیطی مناسب انجام دهند.در واقع این­ها کسانی هستند که به پیامدها و منافع جمعی عمل زیست محیطی شان آگاه هستند.

**بحث ونتیجه گیری**

در چند دهة گذشته، به ارتباط بین بشر و محیط زيست به عنوان موضوعي مهم توجه شد، زيرا به نظر ميرسد منابع زيست‌محیطي (آب و خاک) سريعتر از زمانيکه برای بازيابي لازم دارند، توسط انسان­ها مصرف و تخريب مي­شوند. در اين راستا، طرفداران محیط زيست معتقدند برای حل مسائل زيست‌محیطي، بايد از علوم فیزيکي و اکولوژيکي به سوی علوم رفتاری حرکت کرد، زيرا به نظر ميرسد اين علوم، پتانسیل خوبي برای توسعة راه‌های بهبود محیط‌ زيست داشته باشند. به همین دلیل، به بررسي رفتارهای انسان­ها در ارتباط با منابع محیط زيست از طريق تئوری­های رفتاری توجه شد. لازمه کشاورزی پایدار، توجه به ماهیت و روند تغییرات در محیط زیست طبیعی است. کشاورزی رایج و رفتار کشاورزان با منابع تولید به صورتی در آمده است که نگرانی­هایی درباره آینده کشاورزی و تامین غذای کافی و سالم را سبب شده است. اگر چه با کمک علم نوین می‌توان تغییرات ایجاد شده را بررسی کرد و قضاوت نمود که آیا روند این تغییرات مطلوب است یا خیر، اما برای تبعیین چرایی و چگونگی تصحیح رفتارهای نادرست در کشاورزی به علم اخلاق نیاز است. به همین دلیل، توجه به علوم رفتار زیست‌محیطی در کشاورزی می‌تواند یک نقش تعیین کننده در حفاظت از طبیعت ومنابع تولید داشته باشد و در این راستا ترویج اخلاق زیست محیطی در بین کشاورزان یک راهبرد اساسی برای حفاظت از محیط زیست است. محققان تلاش‌هاي زيادي براي ارائة طرحي اجمالي از عواملي که بر رفتارهاي زيست‌محيطي تأثيرگذارند انجام داده اند از جمله ارزش‌ها نقش مهمي در شکل‌دهي رفتارهاي زيست‌محيطي (مصرف انرژي) در سطح جامعه ايفا مي‌کنند، اما بايد توجه داشت که ارزش يگانه متغير هدايت‌کنندة رفتار نيست و درکنار آن بايست به نقش متغيرهايي همچون عوامل موقعيتي، نگرش افراد، دانش و آگاهي افراد از موضوع و درک اهميت آن توجه كرد و پیشنهاد می‌شود:

- آگاهي زارعان از نتايج مضر فعاليت هايشان موجب احساس مسئوليت بيشتر در آنها به حفظ منابع زيست محيطي مي شود

- پايبندی زارعان به رعايت اصول اخلاقي )پرهیز از منفعت‌طلبي، آينده‌نگری و صرفه­جويي( در ارتباط با محیط زيست موجب مي شود رفتارهای حفاظتي از سوی آنها تسهیل شود؛ بنابراين، توصیه مي­شود با آموزشهای مستقیم، آزاد و گروهي زارعان را بیشتر متوجه آيندۀ کشاورزی کنیم، شیوه‌های صرفهجويي را هرچه بیشتر در زمینة منابع آبي به آنها بیاموزيم و به طور کلي آنها را از حرص و منفعت‌طلبي جدا کنیم تا بیشتر به فکر حفظ منابع زيست محیطي باشند

- شناسايي و معرفي الگوهای زارعان موفق در زمینة فعالیتهای حفاظت محیط زيست و فراهم آوردن فرصت ملاقات آنها با ساير زارعان مي­تواند نقش مهمي در افزايش آگاهي عمومي زارعان از اينگونه فعالیت­ها، تقويت حس مسئولیت­پذيری و درنهايت جنبش عمومي در راستای حفاظت محیط زيست داشته باشد. بنابراين باتوجه به نتايج به‌دست آمده در اين پژوهش، دانش و نگرش افراد به مسايل ‌زيست‌محيطي مي­تواند از تعيين‌کننده‌هاي مهم در زمينه پيشبيني رفتارهاي محافظت از محيط باشد.

**منابع**

آقامحمدی، ع (1386). «*بررسی رفتارهای زیست محیطی معلمان آموزش دوره ی ابتدایی(مورد مطالعه: استان مازندران*)»، پایانامه کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه مازندران.

ابوالحسنی ن و همکاران (1391). «*بررسی نقش آموزش در ارتقاء اخلاق و فرهنگ زیست محیط*»، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست.

استوار، س و شاه ولی، م و سامانی ، س (1391). «*بررسی نگرشهای زیست محیطی دانش آموزان راهنمایی و متوسطه مدارس آنوزشی جزیره کیش*»، اولین همایش ملی حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست**.**

بخش آموزش علمی فنی و حرفه ای یونسکو (1370 )، *آموزش بین المللی محیط زیست* (ف ، برومند، مترجم) تهران ؛کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

بوتکین، دانیل و ادوارد کلر(1382). «*شناخت محیط زیست*»، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.

دولت آبادی، ح (1382). «فرهنگ محیط زیست» انتشارات: فرهنگ معاصر ، چاپ اول.

شبیری، س و عبدالهی، س ( 1388). «*نظریه ها و کاربردهای آموزش محیط زیست*»، انتشارات دانشگاه پیام نور.

عظیمی، م و همکاران (2013 ).« *تبیین نشانگرهای سواد زیست محیطی بر اساس بر اساس استانداردهای سواد علوم در در پروژه2061امریکا*»، اولین کنفرانس ملی آموزش فرهنگ اخلاق زیست محیطی.

عنبری ، م ( ١٣٨٧ ). «*جامعه شناسي فاجعه، كندوكاوي علمي پيرامون حوادث و سوانح در ايران*»، تهران: دانشگاه تهران.

فيتز پتريک، ت ( ١٣٨١ ). «*نظرية رفاه، سياست اجتما عي چيست*؟»، ترجمة هرمز همايون‌پور، مؤسسه عالي پژوهش تأمين اجتماعي.

كاپرا، ف ( ١٣٨٦ ). «*پيوندهاي نهان، تلفيق گستر ه‌هاي زيستي، شناختي و اجتماعي حيات در علم پايداري*»، ترجمة محمدحرير اكبري، تهران: ني.

کیانپو، ک ، آقاامیری، ن و محمدی روزبهانی، م ( 1838)، «*آموزش گامی به سوی توسعه فرهنگ حفاظت از محیط زیست*»،دومین همایش ملی و تخصصی پژوهش های محیط زیست ایران، همدان ، دانشکده شهید مفتح.

میبودی، ح و کریم زادگان، ح (2012). «*ادغام مفاهیم اموزش محیط ز یست و مباحث تنوع زیستی در برنامه درسی ایران*»، سایت آموزش محیط زیست ایران.

ولایی،ع (1384)، «*الگوهای رفتار با طبیعت (محیط زیست) از دیدگاه قرآن و سنت ،رشته علوم قرآن و احادیث*» ، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات ، پایان نامه دکترا.

Abedi-Sarvestani A, Shahvali M. (2008). Environmental ethics: Toward an Islamic perspective. American-Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Sciences 3(4): 609-617.

Barr, S., N. J. Ford and A.W. Gilg. (2003) "Attitudes towards Recycling Household Waste In Exeter, Devon: Quantitative & Qualitative Approaches", *Local Environment*, *8 (4): 407-421*.

Budak, D. (2005) "*Behavior &Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural"*, Turkey Applied Sciences . 5: (7) 1224- 1227.

Clearfield, F. and Osgood, B. T. (1986). *Sociological Aspects of the Adoption of Conservation Practices*, Washington, D.C.

Fenton, D. M., Gregor, C. M. and Cary, J. (2000). *Framework and review of Capacity and motivation for change to sustainable management practices. Bureau of Rural Sciences – Putting People in the Picture*. Fnal Report. Theme 6: Project 6.2.1.

Frick, Jacqueline , G. Kaiser, Florian and Wilson, Mark (2004). “Environmental knowledge and conservation behavior: exploring prevalence and structure in a representative sample”, *Personality and Individual Differences,* Vol 37 :1597-1613.

Hansen TB. (2005). Teaching Ethics to Science and Engineering Students. Center for the Philosophy of Nature and Science Studies at the University of Copenhagen, Copenhagen.

Hedlud, T. (2011). "The Impact of Values, Environmental Concern, and Willingness to Accept Economic Sacrifices to Protect the Environment on Tourists Intentions to Buy Ecologically Sustainable Tourism Alternatives", *Tourism and Hospitability Research*, 11 (4):278-288.

Lichtenberg, E. and Zimmerman, R. (1999)*. Information and farmers’ attitudes about pesticides, water quality, and related environmental effects*. Agriculture, Ecosystems and Environment, 73(3), 227-236.

Moisander, J. and Pesonen, S. (2002). Narratives of sustainable ways of living: constructing the self and the other as a green consumer. *Management Decision*, 40, 329–342.

Nordlund, A., and Garvill, J. (2002). "Value Structures and Behavior towards the Environment: The Case of Lake Burder" *Environment and Behavior*, 34: 363-377.

Paarlberg R. (2009). The ethics of modern agriculture. Society 46 (1): 4-8.

Sattler, C. and Nagel, U. J. (2010). *Factors affecting farmers’ acceptance of conservation measures: A case study from north-eastern Germany*. Land Use Policy, 27(1), 70–77.

Schenk, A., Hunziker, M. and Kienast, F. (2007). Factors influencing the acceptance of nature conservation measures: A qualitative study in Switzerland. *Journal of Environmental Management*, *83(1), 66-79*.

Schultz, P. W. and Zelezny, L. (1999). "Values and Proenvironmental Behavior: A Five-Country Study", *Cross-Cultural Psychology*, 29: 540-558.

Schwartz, S. H. (1992). "Universals in the Content and Structure of Values: Theoretical Advances end Empirical Tests in 20 Countries", *Advances in Experimental Social Psychology*, Orlando, FL: Academic Press: 1-65.

Shobeiri, Omidvar and Prahalada (2007). "*Influence of Gender and Type of School on Environmental Attitude of Teachers in Iran & India"*, Int. J.Environ.Sci.Tech, 3 (4): 351-357.

Steg, L., De Groot, J. M., Dreijernik, L., Abrahamse, W., Siero F,(2011). "General Antecedents of Personal Norms, Policy Acceptability, and Intentions: The Role of Values, Worldviews, and Environmental Concern", *Faculty of Behavioral and Social Sciences, Version of Record First Published, 24: 349-367.*

SternP. C., T. Dietz, and G. A. Guagnano (1995). “*The New Ecological Paradigm in Social Psychological Contet*”, Environment and Behavior, 27(6): 723-43.

Witherspoon, J. et al. (1995*). Control and production of toxic air emissions by publicly owned treatment works odor control equipment,* Water Environment Research Foundation.